

سال پیامبر اعظم (ص)



بیانات مقام معظم رهبری در صحن جامع رضوی
۸۵/۱/۱

پروردگارا! برکات علی بن موسی الرضا (سلام الله علیه) را بر مردم این مرز و بوم و کشور روزبه روز افزایش بده؛ ما را مشمول دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) قرار بده. پروردگارا! درجات امام عزیز و شهیدان عالی مقام ما را در نزد خود روزبه روز برتر و رفیع تر بگردان؛ ما را بندگان صالح خود قرار بده؛ ما را خدمتگزاران این مردم قرار بده.
والسلام علیکم ورحمه... و برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد وعلى اله الأئمة الأطهارين المتتبعين الهداه المهديين المعصومين سيما بقيه الله في الأرضين.

از خداوند متعال سپاسگزارم که عمر و مهلت داد تا یک بار دیگر در جوار مرقد مطهر حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا، آغاز سال نو هجری شمسی را در کنار شما برادران و خواهرانی باشم که از سراسر کشور در مشهد مقدس گرد آمده‌اید. توجه کنید - برادران و خواهران - که مایلم در آغاز عرایض خودم، درباره‌ی اربعین چند جمله عرض کنم.

امسال با تقارن عید نوروز با اربعین حسینی، عید و آغاز سال نو ما، رنگ حسینی گرفت و با نام حسین بن علی (علیه السلام) سرور آزادگان جهان و سید شهیدان، رونق یافت. چه آمدن خاندان پیغمبر در روز اربعین به کربلا - که بعضی روایت کرده‌اند - درست باشد یا درست نباشد، ظاهراً در این تردیدی نیست که جابر بن عبدالله انصاری به همراه یکی از بزرگان تابعین - که نام او را بعضی عطیه گفته‌اند، بعضی عطاء گفته‌اند و احتمال دارد عطیه بن حارث کوفی حمدانی باشد؛ به هر حال یکی از بزرگان تابعین است که در کوفه ساکن بوده - این راه را طی کردند و در این روز بر سر مزار شهید کربلا حاضر شدند. شروع جاذبه‌ی مغناطیس حسینی، در روز اربعین است. جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد. این، همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرنهای متمادی، در دل من و شماست. کسانی که معرفت به اهل بیت دارند، عشق و شور به کربلا همیشه در دلشان زنده است. این از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسینی و به مرقد سرور شهیدان - سیدالشهداء - .

جابر بن عبدالله جزو مجاهدین صدر اول است؛ از اصحاب بدر است؛ یعنی قبل از ولادت امام حسین، جابر بن عبدالله، در خدمت پیغمبر بوده و در کنار او جهاد کرده است. کودکی، ولادت و نشو و نما ی حسین بن علی (علیه السلام) را به چشم خود دیده است. جابر بن عبدالله به طور حتم بارها دیده بود که پیغمبر اکرم، حسین بن علی را در آغوش می‌گرفت، چشمهای او را می‌بوسید، صورت او را می‌بوسید، پیغمبر به دست خود در دهان حسین بن علی غذا می‌گذاشت و به او آب می‌داد؛ اینها را به احتمال زیاد

که نفت دارد، چرا انرژی هسته‌ای دارد؟ همین اخیراً رئیس جمهور امریکا گفت، ما باید برای تولید هسته‌ای سرمایه‌گذاری بیشتری کنیم. همه‌ی دنیای پیشرفته دارند می‌روند به سمت سرمایه‌گذاری برای تولید هسته‌ای، آن وقت به ملت ما می‌گویند شما نداشته باشید! این حرف زور را ما قبول نکرده‌ایم و شما ملت ایران بدانید مسئولین کشور قبول نخواهند کرد. بنده به هیچ قیمتی زیر بار این حرف زور نخواهم رفت.

انرژی هسته‌ای و فناوری هسته‌ای حق مسلم شما ملت ایران است و هیچ کس حق ندارد از این حق مسلم صرف نظر کند و کوتاه بیاید. دشمن شبهه‌پراکنی می‌کند و یک عده‌ای هم نادانسته، شاید بعضی هم دانسته، همین حرفهای دشمن را در داخل پر و بال می‌دهند. حقیقت قضیه این چیزی است که من به شما عرض کردم. امروز اگر شما این حق را به چنگ نیاورید، دهها سال ملت ایران به عقب خواهد رفت و عقب‌مانده خواهد ماند. هیچ فرد مسئولی، هیچ پیرو پیامبر اعظم راضی نخواهد شد. دنیا هم این حق را قبول دارد. حالا تهدید شورای امنیت کردند، انگار شورای امنیت آخر دنیاست. ما هم شورای امنیت چشیده هستیم. در جنگ تحمیلی، آن روزی که عراقی‌ها چند هزار کیلومتر خاک ما را زیر پا داشتند، همین شورای امنیت قطعنامه صادر کرد که بایستی جنگ را تمام کنید، دفاع و مقاومت نکنید؛ ما هم چون برخلاف مصالح کشورمان بود، قبول نکردیم. هر وقت برخلاف مصالح کشور باشد، قبول نمی‌کنیم. ملت ما ایستاده است. جوانان ما ایستاده‌اند، خوشبختانه مسئولین ما با نشاط ایستاده‌اند، خدا پشتیبان ماست و اقتدار آینده‌ی کشور ما امروز در گرو تصمیم و همت مسئولان و مردم ماست. به توفیق الهی، به کمک همت و اراده و عزم بلند مردم و به تأیید ولی عصر (ارواح‌نفاذ) بر این حق پافشاری خواهیم کرد و آن را با همه‌ی وجود به چنگ خواهیم آورد.

اجازه بدهید از این نفسهای پُرشور و دل‌های گرم شما استفاده کنم و چند تا دعا کنم:

پروردگارا! به عزت و جلالت و به حق پیامبر اعظم، رحمت و برکت و تفضل خود را بر این ملت مؤمن و پایدار نازل کن. پروردگارا! این ملت قدرشناس اسلام را بر دشمنان اسلام پیروز کن. پروردگارا! راه این ملت و راه جوانان ما را به سوی آینده‌ای که شایسته‌ی این ملت است، هموار بگردان. پروردگارا! مسئولین کشور را در خدمتگزاری به این مردم روزبه‌روز موفق‌تر بگردان.

هم به کار می‌رود؛ بله، اینها هم است؛ اما اینها درجه‌ی چندم است. در درجه‌ی اول این یک نیاز اساسی و اصلی برای کشور ماست. اگر امروز مسئولین و دست‌اندرکاران ما این را تأمین نکنند، بیست سال بعد همه‌ی مردم حق خواهند داشت اینها را لعنت کنند. آن روز هم نمی‌شود به دست آورد. وقتی یک ملت احتیاج به چیزی دارد، به او گرانفروشی می‌کنند، به او نمی‌دهند، او را تحقیر می‌کنند و به او بی‌اعتنایی می‌کنند. آن چیزی که آمریکا به ما می‌گوید، این است که شما این فناوری‌ای را که خودتان هم به دست آورده‌اید، این را بگذارید کنار، ما به شما سوخت هسته‌ای می‌دهیم. یعنی چه؟ یعنی شما نیروگاه بسازید، بعد برای سوخت این نیروگاه بیاید سراغ ما تا ما با هر شرایط و هر قیمتی که دلمان خواست، آن را به شما بدهیم.

حالا تهدید شورای امنیت کردند، انگار شورای امنیت آخر دنیاست. ما هم شورای امنیت چشیده هستیم. در جنگ تحمیلی، آن روزی که عراقی‌ها چند هزار کیلومتر خاک ما را زیر پا داشتند، همین شورای امنیت قطعنامه صادر کرد که بایستی جنگ را تمام کنید، دفاع و مقاومت نکنید؛ ما هم چون برخلاف مصالح کشورمان بود، قبول نکردیم. هر وقت برخلاف مصالح کشور باشد، قبول نمی‌کنیم. ملت ما ایستاده است.

مثل این می‌ماند که امروز نفت در اختیار آمریکا باشد، بخواهد به ما نفت بدهد. شما فرض کنید اگر در این شرایط ما برای تولید انرژی در داخل کشور احتیاج به نفت یا گازوئیل داشتیم و می‌خواستیم آن را از آمریکاییها بگیریم، با ما چه رفتاری می‌کردند! ملت ایران را چقدر تحقیر می‌کردند! اینکه می‌گویم انرژی هسته‌ای یا به تعبیر درست‌تر فناوری هسته‌ای، چرخه‌ی سوخت و امکان غنی‌سازی هسته‌ای حق مسلم ملت ماست، این به معنای این است که اگر این را امروز برای این ملت تأمین نکنیم، فردا این ملت دست‌گدایی به سوی دشمنان و مخالفین خودش دراز کند. ملت ما زیر بار این حرف نخواهد رفت.

به ما می‌گویند شما نفت دارید، انرژی اتمی می‌خواهید چه کار کنید؛ مگر آمریکا نفت ندارد؛ آمریکا

جابرین عبدالله به چشم خود دیده بود. جابرین عبدالله به طور حتم از پیغمبر به گوش خودش شنیده باشد که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت‌اند. بعدها هم بعد از پیغمبر، موقعیت امام حسین، شخصیت امام حسین - چه در زمان خلفاء، چه در زمان امیرالمؤمنین، چه در مدینه و چه در کوفه - اینها همه جلوه چشم جابرین عبدالله انصاری است. حالا جابر شنیده است که حسین بن علی را به شهادت رسانده‌اند. جگرگوشه‌ی پیغمبر را با لب تشنه شهید کرده‌اند. از مدینه راه افتاده است؛ از کوفه، عطیه با او همراه شده است. عطیه روایت می‌کند که: «جابرین عبدالله به کنار شط فرات آمد، آنجا غسل کرد، جامه‌ی سفید و تمیز پوشید و بعد با گامهای آهسته، با احترام به سمت قبر امام حسین (علیه‌السلام) روانه شد. آن روایتی که من دیدم این طور است، می‌گوید: وقتی به قبر رسید، سه مرتبه با صدای بلند گفت: «اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر، اللَّهُ اکبر»؛ یعنی وقتی که می‌بیند که چطور آن جگرگوشه‌ی پیغمبر و زهرا را، دست غارتگر شهواتِ طغیانگران، این طور با مظلومیت به شهادت رسانده، تکبیر می‌گوید. بعد می‌گوید: از کثرت اندوه، جابرین عبدالله روی قبر امام حسین از حال رفت، غش کرد و افتاد. نمی‌دانیم چه گذشته است، اما در این روایت می‌گوید، وقتی به هوش آمد، شروع کرد با امام حسین صحبت کردن: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا آلَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ».

ما با خودمان عهد کرده‌ایم و عهد می‌کنیم که یاد حسین، نام حسین و راه حسین را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم. همه‌ی ملت ما، همه‌ی کشور ما، همه‌ی شیعیان عالم و بلکه همه‌ی آزادگان در سرتاسر جهان، یک چنین احساسی نسبت به حسین بن علی (علیه‌السلام) دارند.

ای حسین مظلوم! ای حسین شهید! ما هم امروز در اول این سال نو، از اعماق وجودمان عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَیْکَ يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ». شهادت تو، جهاد تو و ایستادگی تو، اسلام را رونق داد و دین پیامبر را جان تازه بخشید. اگر آن شهادت نبود، از دین پیغمبر چیزی باقی نمی‌ماند. امروز دل‌های ما هم مشتاق حسین بن علی (علیه‌السلام) و آن ضریح شش گوشه و آن قبر مطهر

است. ما هم گرچه دوریم، ولی به یاد حسین بن علی و به عشق او سخن می‌گوییم. ما با خودمان عهد کرده‌ایم و عهد می‌کنیم که یاد حسین، نام حسین و راه حسین را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم. همه‌ی ملت ما، همه‌ی کشور ما، همه‌ی شیعیان عالم و بلکه همه‌ی آزادگان در سرتاسر جهان، یک چنین احساسی نسبت به حسین بن علی (علیه‌السلام) دارند.

امسال نام پیامبر اعظم اسلام، سال ما را مزین کرد. درباره‌ی پیامبر اعظم چه عرض بکنیم؟ جز اینکه بگوییم: پیامبر اعظم اسلام، مجموعه‌ی فضائل همه‌ی انبیاء و اولیاء است؛ نسخه‌ی کامل و تکامل یافته‌ی همه‌ی فضائل است که در سلسله‌ی پیامبران و اولیاء الهی در تاریخ وجود داشته است.

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست

وقتی نام پیامبر اعظم را می‌آوریم، کأنه شخصیت ابراهیم، شخصیت نوح، شخصیت موسی، شخصیت عیسی، شخصیت لقمان، شخصیت همه‌ی بندگان صالح و برجسته و شخصیت امیر مؤمنان و ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) در این وجود مقدس، متبلور و مجسم است. پیامبر اعظم را می‌توان به درخشان‌ترین ستاره در کائنات عالم وجود تشبیه کرد و از آن وجود بزرگ و مقدس با این عنوان تعبیر کرد. چرا می‌گوییم ستاره‌ی درخشان، نمی‌گوییم خورشید؟ چون خورشید یک جسم و جرم مشخص و معین است، نورانی است و با عظمت است؛ اما یک جرم و یک کره‌ی آسمانی است. لکن در این ستاره‌هایی که شما می‌بینید، ستاره‌هایی هستند که یک کهکشانند و از این کهکشانی که ما در شبهای تابستان در آسمان بالای سر خودمان می‌بینیم، هزاران برابر بزرگترند. کهکشان یعنی: آن مجموعه‌ای که هزاران منظومه و هزاران خورشید در آن هست. پیامبر اعظم یک وجود کهکشان‌وار است و در او هزاران نقطه‌ی درخشنده‌ی فضیلت وجود دارد. در پیامبر اعظم، علم همراه اخلاق هست؛ حکومت همراه حکمت هست؛ عبادت خدا همراه با خدمت به خلق هست؛ جهاد همراه با رحمت هست؛ عشق به خدا همراه با عشق به مخلوقات خدا هست؛ عزت همراه با فروتنی و خاکساری هست؛ روزآمدی همراه با دوراندیشی هست؛ صداقت و راستی با مردم همراه با پیچیدگی سیاسی هست؛ غرقه بودن جان در یاد خدا همراه با پرداختن به صلح و سلامت جسم هست؛ در او دنیا و آخرت همراه است؛ هدفهای والای الهی با اهداف جذاب بشری همراه است. او نمونه‌ی کاملی است که خداوند در عالم وجود، موجودی

بخواهد حرفهای خودش را به طرف تحمیل کند، این مثل بقیه‌ی موارد، همچنان که اعلام کردیم، ممنوع خواهد بود. عزت، ایستادگی و مقاومت ملت ما مایه‌ی اقتدار و پیشرفت کشور ماست؛ این را نمی‌شود با توهنات مخدوش کرد.

درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای من یک جمله عرض بکنم. خلاصه‌ی حرف دشمن این است که به ملت ایران می‌گوید شما فناوری هسته‌ای را نداشته باشید. چرا؟ برای اینکه فناوری هسته‌ای، شما را در عرصه‌های مختلف نیرومند می‌کند؛ شما این فناوری را نداشته باشید تا ضعیف بمانید، تا بتوان راحت‌تر به شما زور گویی کرد. مردم باید توجه کنند که اعماق حرف دشمن چیست. مسئله این است، انرژی هسته‌ای و توانایی تولید سوخت هسته‌ای، در طول سالهای نه چندان دور آینده، یک نیاز مبرم و قطعی برای ملت ایران است. اگر ملت ایران امروز برای کشور خود فناوری هسته‌ای را تحصیل نکند، چند سال بعد، آن روزی که این جوانها وارد بازار کار و فعالیت می‌شوند، آن روزی که جمعیت ملت ایران میلیونها نفر از حالا بیشتر است؛ آن روز، ملت در یکی از اساسی‌ترین نیازهای خود مجبور است دستش را به طرف بیگانگان و احیاناً دشمنان دراز کند. مثل اینکه امروز ما نفت نداشته باشیم؛ نفت یک منبع تمام شدنی و تجدیدناپذیر است. نفت تا ابد که باقی نمی‌ماند؛ اگر این‌طور که امروز مصرف می‌شود، مصرف شود، تا بیست سال، بیست و پنج سال دیگر نفت ملت ایران تمام خواهد شد. دنیا به جای نفت به سراغ انرژی‌های جایگزین رفته است که از همه مهمتر و قابل اطمینان‌تر، انرژی هسته‌ای است. اگر کشور ما بیست سال دیگر انرژی هسته‌ای نداشته باشد، برای راه‌اندازی یک کارخانه، دستش به سمت کسانی دراز است که پیشرفت ملت ایران را به هیچ قیمتی نمی‌پسندند. آبرو و عزت ملت را می‌گیرند تا یک مختصری از آنچه که در اختیار دارند، به این ملت بدهند.

من یک وقتی در همین مشهد در حضور جمعیت عظیم مردم گفتم، اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار اروپا و امریکا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آنها سجده می‌کردیم تا یک بشکه نفت به ما بدهند؛ مگر می‌دادند؟! اینها می‌خواهند پانزده سال، بیست سال آینده ملت ایران برای نیاز صنعتی و کشاورزی خود و برای جریان حیات در کشور خود، محتاج آنها باشد؛ برود در خانه‌ی آنها؛ اهمیت انرژی هسته‌ای این است. حالا می‌گویند انرژی هسته‌ای برای درمان و مصارف پزشکی

مذاکره برای امریکاییها یک ابزاری است برای تحمیل خواسته‌های خودشان به طرف مذاکره. مذاکره مفهوم واقعی خودش را در مذاکرات امریکا با طرفهای خودش ندارد و از دست داده است. مذاکره برای چیست؟ وقتی دو دوست در یک مسئله‌ی مورد اختلاف با هم مذاکره می‌کنند، این برای این است که هر کدام از نقطه‌ای که قرار دارند، حرکت کنند و به یک نقطه‌ی مورد توافق برسند. امریکا مذاکره را به این معنا نمی‌داند. آنها مذاکره را وسیله‌ای برای تحمیل خواسته‌های خودشان قرار می‌دهند؛ برای وارد آوردن فشار. بنابراین مذاکره با امریکا در همه‌ی مسائل معنا ندارد.

آن چیزی که این روزها مطرح شده، درباره‌ی مسئله‌ی امنیت عراق است. مسئولین امریکایی - چه در عراق، چه در بیرون عراق - از مسئولین ما درخواستهای پی در پی و مکرری کردند و اینها هم اول اعتنایی نکردند؛ بعد برای اینکه شاید برای جلوگیری از ناامنی‌های فاجعه‌بار ملت مظلوم عراق این کار لازم باشد، گفتند در این مسئله ما حرفی نداریم که نظرات خودمان را به طرف امریکایی منتقل کنیم. آن نظرات چیست؟ آن نظرات تفهیم این نکته به امریکاییهاست که آنها باید دست از سر عراق بردارند تا ملت عراق خودشان کشورشان را اداره کنند؛ دست از تحریک قومیتها باید بردارند تا عراق روی امنیت را ببیند. ملت عراق می‌تواند کشورش را اداره کند؛ امنیت را هم می‌تواند تأمین کند. پشت سر ناامنی‌های موجود عراق، فرائین فراوانی وجود دارد که دست سرویسهای جاسوسی قرار دارد؛ یا سرویسهای جاسوسی انگلیس یا امریکا یا اسرائیل. این تأمین امنیت برای مردم عراق، برای ما یک انگیزه‌ای شد.

امریکاییها در همین قضیه هم روح سلطه‌جویی و زیاده‌طلبی و دروغ‌گویی خودشان را نشان دادند. این طور وانمود کردند که گویا ایران می‌خواهد در مسائل گوناگون خود با امریکا مذاکره کند. تعبیرات بسیار نامناسب و زشتی را هم به کار بردند؛ بعضی از مسئولین امریکایی بر اثر همان خوی تکبر و دروغ‌گویی، حتی گفتند این به منزله‌ی احضار مسئول ایرانی است. من عرض می‌کنم، دولت امریکا غلط می‌کند که مسئول ایرانی را احضار کند. مسئولین ذی‌ربط کشور ما اگر می‌توانند با هدف تفهیم و حالی کردن به امریکاییها در قضیه‌ی عراق، مطلبی را به آنها منتقل کنند، مانعی ندارد؛ اما اگر مذاکره به معنای این است که یک عرصه‌ای باز شود برای اینکه طرف زورگو و پُرو و مگار با اتکای به زور

کامل تر از او نیافریده است؛ او مبشر است، بشارت‌دهنده است؛ منذر است، بیم‌دهنده است؛ بر همه‌ی بشریت و بر همه‌ی تاریخ شاهد و ناظر است؛ فراخواننده‌ی همه‌ی بشریت به سوی خداست و چراغ نورافشان راه انسانهاست. «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی اللّٰه بأذنه و سراجاً منیراً».

سال پیامبر اعظم، سال این وجود کهکشانی‌وار برای دولت و ملت ماست. علاوه‌ی بر این، وجود پیامبر اعظم در عرصه‌ی بین‌المللی، نقطه‌ی التقای عقاید و عواطف همه‌ی ملت‌های مسلمان است. از همه‌ی اقوام، با همه‌ی مذاهب گوناگون، نقطه‌ی التقای همه‌ی امت اسلامی در عقیده و عاطفه، وجود مبارک پیامبر اعظم است.

سال پیامبر اعظم، سال نگاههای بلند،
سال امید، سال کار، سال مجاهدت،
سال خدمت و سال طراحیهایی
هوشمندانه برای آینده‌ی کشور است؛
سال حرکت به پیش است.

اینکه ما در یک چنین سالی با این نام قرار داریم، تکلیف بزرگی را بر گردن ما می‌گذارد. ملت و دولت ما در این سال، باید طوری عمل کنند که با حکمت نبوی، با علم نبوی، با حکومت نبوی، با عدالت نبوی، با اخلاق و کرامت نبوی، با فروتنی و عزت نبوی و با جهاد و رحمت نبوی هماهنگ باشد. اینها البته کار یک سال نیست؛ کمالینکه پیغمبر اعظم، پیغمبر یک سال نیست، همه‌ی سالها سال اوست؛ همه‌ی تاریخ، متعلق به اوست. ولی این به معنای این است که ما در راه ساختن آن‌چنان جامعه‌ای، آن‌چنان دنیایی و آن‌چنان تمدنی که هدف پیامبر اعظم بود، امسال باید یک خیزش، یک حرکت بزرگ و یک گام بلند داشته باشیم. سال پیامبر اعظم، سال نگاههای بلند، سال امید، سال کار، سال مجاهدت، سال خدمت و سال طراحیهایی هوشمندانه برای آینده‌ی کشور است؛ سال حرکت به پیش است.

یک نگاهی به اوضاع عمومی کشور می‌اندازیم. ما در حالی سال جدید را آغاز می‌کنیم که یک دولت جدید، تازه بر سر کار آمده است. هر دولتی، دوره‌ی تازه‌ای را برای خود تعریف می‌کند و با مشخصاتی که این دوره دارد، سال را آغاز می‌کند. این به معنای تغییر مسیر نیست؛ این به معنای این نیست که ملت با تغییر دولتها، راه هدفهای اصولی و بلند خود را عوض می‌کند؛ نه، بلکه این به معنای

بهره بردن از پیشرفتهای دوره‌های دیگر است، همراه با ابتکارهای جدید، همراه با تسریع در کارها و احیاناً همراه با تصحیح؛ البته اگر خطا و اشتباهی صورت گرفته باشد. ملت با تغییر دولتهایی که خود انتخاب می‌کند، مثل مسافری است که در یک راهی دارد حرکت می‌کند، به یک نقطه‌ای که می‌رسد، وسیله‌ای را که از نفس افتاده یا خسته شده است، به یک وسیله‌ی تازه نفس و آماده‌ی به کار و متناسب با شرایط تبدیل می‌کند تا همان راه را ادامه دهد. اگر احیاناً در مرحله‌ی قبل، از مسیر اصلی انحرافی پیش آمده باشد، آن را برمی‌گرداند و راه را ادامه می‌دهد و به سمت اهداف والا پیش می‌رود. این مردم‌اند که تعیین می‌کنند، این مردم‌اند که اشخاص را که هر کدام شعاری دارند و هر کدام بروز و شخصیتی دارند، زیر نظر قرار می‌دهند و در میان آنها یک نفر را می‌پسندند و اکثریت جامعه به آن رأی می‌دهند.

دولت در هر دوره‌ای، دولت مردم است؛ نشان دهنده‌ی خواست مردم و جهت‌گیری مردم است. این دولتی که تقریباً شش ماه است مشغول به کار شده، دولت جدید، شاخصه‌اش عبارت است از: تصمیم قاطع بر خدمت‌خستگی‌ناپذیری به مردم، به میدان آوردن همه‌ی توان خود و پُررننگ کردن هدفهای بلند انقلاب. اینها مشخصه‌های این دولت است. این دولت با تکیه بر شعارهای انقلاب و شعارهای امام بزرگوار، بر آن است که همه‌ی توان خود را به میدان بیاورد؛ با همه‌ی وجود کار کند؛ گره‌های زندگی مردم را باز کند؛ زیرساختهای کشور را هرچه زودتر و هرچه بهتر و جامع‌تر به وضعیت مطلوب برای پیشرفتهای آینده بسازد و در عرصه‌ی بین‌المللی بر استقلال ملی و عزت ملت ایران تکیه کند. در عرصه‌ی بین‌المللی، بازیگران سیاسی، یکی از ابزار عمده‌شان، مکر است و یکی تهدید. اگر دولتی در مقابل مکاری و تهدید آنها خود را نبازد و به ملت خود تکیه کند، موفقیت‌های بسیاری خواهد داشت. می‌بینیم و حس می‌کنیم که این دولت بنا دارد عزت و استقلال ملی را آن‌چنان که در شأن ملت ایران است، حفظ کند.

آنچه که به طور خلاصه از شعارهای دولت و رئیس‌جمهور جدید و فعالیت‌هایشان می‌توان گفت، این است که، تصمیم دارند یک گام بلند در خدمت، در علم و در تأمین نیازهای کشور به پیش بردارند. عزیزان من! کشور ما امکانات یک کشور پیشرفته را دارد؛ ما از لحاظ نیروی انسانی و استعداد‌های

محبوبیت رئیس‌جمهوری ما و رئیس‌جمهور آمریکا برگزار کنند. اگر سردمداران رژیم آمریکا از نتایج خفت‌بار چنین رفتارندوم، نظرسنجی و نظرخواهی‌ای نمی‌ترسند، این گوی و این میدان، بیایند راه بیندازند. امروز ملتها از آمریکا متنفرند؛ بسیاری از دولتها هم متنفرند؛ ملتها مصالحشان اجازه نمی‌دهد که این نفرت را بر زبان بیاورند؛ اما نفرت آنها گاهی کمتر از ما هم نیست.

به جمهوری اسلامی اتهام نقض حقوق بشر می‌زنند. این دیگر از آن لطف‌های خنده‌آور دوران است! آمریکا شده است پرچمدار حقوق بشر! کدام آمریکا؟ آمریکای هیروشیما، آمریکای گوانتانامو، آمریکای ابوغریب، آمریکای راه اندازنده‌ی جنگ و ناامنی در بسیاری از نقاط عالم، آمریکای سانسور در داخل خود کشور آمریکا؛ ماجرای سانسور فکر و نوشته و بیان در آمریکا، یکی از آن ماجراهای بسیار مهم و

جالب است که مجالی نیست که من الان به آن اشاره کنم. اینها به ما می‌گویند نقض حقوق بشر؛ اما خودشان بزرگترین ناقض حقوق بشرند! اگر امروز در دنیا - نمی‌گویم دنیای اسلام، در سطح دنیا - یک همه‌پرسی انجام بگیرد، شک نکنید که رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، در ردیف شارون و صدام و میلوسویچ به عنوان مجسمه‌های شرارت شناخته خواهند شد. امروز

امروز آمریکا تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است؛ لذا شعار «مرگ بر آمریکا» دیگر امروز مخصوص ملت ما نیست.

امریکا تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است؛ لذا شعار «مرگ بر آمریکا» دیگر امروز مخصوص ملت ما نیست. امروز در اکناف عالم شما می‌بینید که مجسمه‌ی رئیس‌جمهور آمریکا را آتش می‌زنند و شعار مرگ بر آمریکا می‌دهند. علت هم زیاده‌خواهی رژیم آمریکا، استکبار رژیم آمریکا، تکبر آنها، سلطه‌طلبی آنها و بازیچه‌ی صهیونیستها بودن آنهاست؛ حقیقتاً بازیچه‌ی صهیونیستها بند.

من اینجا راجع به یک مطلبی که این روزها در رسانه‌های گوناگون جهانی مطرح شد، یک جمله بگویم، بعد وارد مسئله‌ی هسته‌ای بشوم. مسئله‌ی مذاکره‌ی با آمریکا که سوژه‌ی تبلیغاتی مستکبران و اقتدارطلبان شد، ما از اول اعلان کردیم و الان هم اعلان می‌کنیم، در هیچ یک از مسائل مورد اختلاف خودمان با آمریکا، ما با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم. دلیل آن هم یک امر واضحی است؛ دلیل این است که

دودستگی و تحریک عصبیتها؛ اگر بتوانند، ابزار دشمنان ملت شما اینهاست. فشار بیاورند - فشارهای فرسایشی - و با تبلیغات اینها را برجسته، بزرگ و درشت کنند؛ برای اینکه در مردم احساس عدم امنیت به وجود آورند، برای اینکه مردم در موفقیتشان، آینده‌شان و کفایت مسئولان‌شان تردید و شک و شبهه پیدا کنند؛ کار دشمن اینهاست. فشار بیاورند، شاید بتوانند مسئولین را دچار دودستگی کنند؛ شاید بتوانند تصمیم‌گیران کشور را در تصمیم‌گیریهای بزرگ خودشان دچار تزلزل کنند؛ کار دشمن اینهاست؛ ابزار دشمن اینهاست؛ دشمن ابزار دیگری ندارد. تهدید می‌کنند که ما ملت ایران را تحریم خواهیم کرد؛ مگر تا حالا تحریم نکردید؟! مگر تا حالا ملت ایران دچار تحریم شما قدرتهای زورگو نبوده است؟! اگر ما امروز پیشرفتی پیدا کرده‌ایم و در علم، صنعت و برخی از صنایع، در منطقه حرف اول را می‌زنیم، اینها در همین شرایط تحریم برای ما پیش آمده است. ما پیشرفت نظامی پیدا کرده‌ایم؛ پیشرفت علمی پیدا کرده‌ایم؛ در زمینه‌های پزشکی پیشرفتهای شگفت‌آور پیدا کرده‌ایم؛ در زمینه‌ی صنعت، در برخی از صنایع بسیار پیچیده که دنیا تصور نمی‌کرد، ما پیشرفت پیدا کرده‌ایم. ما در زمینه‌ی علوم زیستی پیشرفت پیدا کرده‌ایم؛ علوم دانشهایی را که دارندگان آنها، هرگز اجازه نمی‌دهند غیر از یک مجموعه‌ی کوچک خودشان، کسی به آنها دست پیدا کند؛ ما به این دانشها دست پیدا کرده‌ایم. همه‌ی اینها در شرایط تحریم به وجود آمده است. اگر تحریم نمی‌کردند، شاید به اینجا نمی‌رسیدیم؛ اگر پول ما را می‌گرفتند، سلاحهای دسته‌چندم خودشان را به ما می‌دادند، ما به فکر نمی‌افتادیم که از ابتکار و استعداد جوانانمان استفاده کنیم؛ امروز هواپیما هم تولید کنیم، تانک هم تولید کنیم، موشک هم تولید کنیم و از بسیاری از کشورهای منطقه در این تولیدات جلوتر باشیم. اگر بازارها را باز می‌کردند، هر چه می‌خواستیم به ما می‌دادند، پول ما را می‌گرفتند، توی جیبشان می‌ریختند و امروز هم ما به این پیشرفتها نرسیده بودیم. ما را از تحریم می‌ترسانید؟!

به ما می‌گویند شما در جامعه‌ی جهانی منزوی هستید؛ ما به آنها می‌گوییم، منزوی شما نیستید، نه ما. امروز دنیا از روشهای امریکا متنفر است؛ امروز دنیای اسلام از اندونزی تا مغرب، هر جا شما بروید و از مردم سؤال کنید، نفرت از سردمداران کاخ سفید، در اعماق دل‌های مردم وجود دارد. اگر می‌خواهند بدانند چه کسی منزوی است، بنده پیشنهاد می‌کنم یک رفتارندومی در دنیای اسلام برای سنجیدن میزان

طبیعی و بشری می‌توانیم یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای عالم بشویم. بعد از انقلاب، حضور در این میدان پیشرفت، آغاز شده است؛ البته در منطق جمهوری اسلامی، توسعه و پیشرفت بدون عدالت معنی ندارد؛ آن وقت پیشرفت همراه با عدالت، کار خستگی‌ناپذیر، اراده‌ی مستحکم، برنامه‌ریزی دقیق و بالاتر از همه‌ی آنها، همراهی و کمک بی‌دریغی از مردم را طلب می‌کند، تا بتواند در کشور پیشرفت شایسته‌ی این ملت را، همراه با عدالت به وجود آورند. اگر بخواهیم این پیشرفت، همراه با عدالت نصیب کشور و ملت ما شود، باید با بهره‌مندی از همه‌ی تلاشهایی که دولت‌های گذشته کرده‌اند و فرآورده‌هایی که بر اثر تلاشهای مسئولان گذشته برای ملت پدید آمده است، بر خلاقیت و تولید همت بگماریم؛ خلاقیت و تولید، ما اینها را لازم داریم.

تولید یعنی چه؟ مقصودم فقط تولید کالا نیست؛ تولید در یک گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگماریم. این تأمین‌کننده‌ی امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است. من امروز به شما عرض می‌کنم، هم به مسئولین و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، به خصوص به شما جوانها؛ این یک جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا،

امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار،
تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید
انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید
عزت، هر کدام از اینها یک جهاد است.
مجاهد فی سبیل‌الله تولید کننده است؛ باید
هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید
کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم.

کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان
کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت،
هر کدام از اینها یک جهاد است.
مجاهد فی سبیل‌الله تولید کننده است؛
باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را
تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم
بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین
نقل شده است که فرمود: «العلم

سلطان، من وجده سأل و من لم یجدہ سیل علیہ»؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست. وظیفه‌ی دانشگاهها سنگین است؛ وظیفه‌ی آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه‌ی مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است.

پیشرفت همراه با عدالت، یک نهضت است؛ یک نهضت فراگیر. این نهضت یک ساله نیست. ما این نهضت را تازه هم شروع نکرده‌ایم و نمی‌خواهیم آن را تازه شروع کنیم. از اول انقلاب این نهضت به قدر توان و قدرت دولتها و مسئولان آغاز شده است. مردم و دولتها تلاشهایی کردند و آثار تلاش آنها را هم امروز داریم در صحنه‌ی زندگی خودمان می‌بینیم. زحمات گذشتگان، به آیندگان این فرصت را می‌دهد که قدمهای بلندتری بردارند. بنابراین، این نهضت از امروز شروع نمی‌شود، از قبل شروع شده است؛ یک ساله هم تمام نمی‌شود. اما وقتی می‌گوییم امسال سال پیغمبر اعظم است؛ یعنی امسال باید یک خیزش همگانی - هم دولتی و هم مردمی - در این کار انجام بگیرد. هر کس در هر نقطه‌ای که هست، باید یک گام بلند به جلو بردارد. به گفته‌ی آن عالم روشن ضمیر که در مسجدی می‌خواست به وعظ مشغول شود، جمعیت در مسجد جمع شده بودند، مسجد پُر شده بود و عده‌ای بیرون در، مانده بودند. برای اینکه آن کسانی که بیرون در هستند بتوانند به داخل بیایند، یک نفر بلند شد و گفت: «خدا رحمت کند هر کسی را که هر جا هست، بلند شود و یک قدم به جلو بیاید»؛ برای اینکه مردم را بلند کند و آنها را بیرون مانده‌اند، به داخل بیایند. این مرد عالم روشن ضمیر به مردم رو کرد و گفت: من دیگر حرفی برای گفتن ندارم. همین چیزی که این مرد گفت، همه‌ی حرف من همین بود. من می‌خواهم بگویم: ایها الناس! هر کدام هر جا هستید، بلند شوید، یک قدم به جلو بیایید؛ اگر در

عالم عبادتید، یک قدم به جلو بیایید؛ در عالم تحصیل، یک قدم به جلو بیایید؛ در تولید یک قدم به جلو بیایید؛ کارگر، یک قدم جلو؛ کارفرما، یک قدم جلو؛ استاد، یک قدم جلو؛ دانشجو، یک قدم جلو؛ مأمور دولتی، یک قدم جلو؛ محقق حوزه و دانشگاه، یک قدم جلو. در آیین و فرهنگ پیامبر اعظم توقف نیست، ایستادن نیست، وامانده شدن نیست، تحجر نیست و نومی‌دی وجود ندارد؛ پیامبر ما با نومی‌دی جنگید. مسلمان سرشار از امید است.

البته ما دشمنانی داریم و آنها این حرکت به جلو را برای ملت ما نمی‌پسندند. جلودار این دشمنان هم رژیم ایالات متحده‌ی امریکا است. حرف سردمداران سیاست امریکا با ملت ایران چیست؟ توجه کنید من حرف دل گردانندگان سیاسی امریکا را برای شما بیان کنم؛ حالا حرفهای گوناگونی می‌زنند؛ اما حرف دل آنها یک کلمه است؛ آنها می‌گویند: ای ملت ایران! آن چیزی را که انقلاب شما از ما گرفته است، آن را به ما برگردانید. آنها می‌گویند قبل از انقلاب ما بر کشور شما سیطره‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشتیم؛ رئیس کشور شما برای تصمیمهای بین‌المللی‌اش از سفیر ما اجازه می‌گرفت. این واقعیتی است. در قضیه‌ی نفت، معاملات بین‌المللی، روابط گوناگون سیاسی دیپلماسی و حتی در نوع برخورد با مردم، شاه پهلوی ملعون برای اقدامات خود با سفیر امریکا و سفیر انگلیس مذاکره می‌کرد. آنچه را آنها می‌خواستند و می‌پسندیدند، اینها اجرا می‌کردند. می‌گویند ما بر کشور شما این سلطه را داشتیم، انقلاب آمد و ما را بیرون کرد؛ این را به ما برگردانید تا ما دوباره بر کشور شما سلطه پیدا کنیم. حرف امریکاییها این است. حالا اسم حقوق بشر را می‌آورند، اسم انرژی اتمی را می‌آورند، اسم دموکراسی را می‌آورند و تهمت تروریست می‌زنند؛ اینها حرف است. حرف واقعی همان است؛ می‌گویند اجازه بدهید بار دیگر دولتهای شما را ما تعیین کنیم، بر اقتصاد شما ما حکومت کنیم و ما باشیم که تعیین کنیم شما در قطب‌بندیهای جهانی کجا باشید؛ همچنان که نسبت به بعضی از دولتهای دیگر این‌طورند. از ملت ایران این توقع را دارند. بیست و هفت سال است امریکاییها با ملت ایران در این چالش‌اند. امروز با گذشته تفاوتی نکرده است. آنچه که امروز امریکاییها از خود بروز می‌دهند، همان چیزی است که در طول بیست و هفت سال نسبت به ملت ایران، همیشه در ذهنشان بوده است. ابزارشان هم عبارت است از تهدید، ارباب، تبلیغات جنگ روانی، دلسرد کردن مردم، نومی‌دی کردن مردم، ایجاد